

ارزش مردم شناسی الف لیله و لیله

● ابراهیم ستوده بختیاری، پژوهشگر و مترجم ادبیات و هنر



معرفی: الف لیله و لیله، هزار و یک شب، یک داستان بلند تو در تو یا داستان در داستان به زبان عربی است که در طول نزدیک به هزار سال با دگرگونی‌های بسیار در مضمون و شمار داستان‌ها، فرم (شکل) و ژانر (طرز ادبی) و مهم‌تر از همه تغییر در زبان (زبان درونی و زبان متن)، رفته رفته پدید آمده است. نخستین سرچشمه‌های این اثر مجموعه‌های داستانی سنسکریت هندی از جمله «کاساتاریت ساگارا (اقیانوس قصه‌ها)»، «سوکه سپتاتی (هفتاد طوطی)»، «پنجه تنتره (پنج بند)»، سپس افسانه‌های یونانی بوده که سرانجام در عصر ساسانی به صورت مجموعه هزار افسان فارسی یا پهلوی درآمد و در قرن‌های نخستین هجری به عربی اقتباس شده و «الف خرافه (هزار افسانه)» نام گرفته است. «الف خرافه» نیز در روند دگرگونی‌های بسیار قرار گرفته و با آمیختن با داستان‌های ترکی (عثمانی)، مصری، یهودی، رمان‌های قرون میانه اروپایی و... سرانجام به صورت الف لیله و لیله [دست کم با پنج روایت متفاوت] درآمد است. از داستان‌های این کتاب که از زبان زنی به نام شهرزاد برای شهریار، شاهزاده ساسانی حکایت می‌شود، بخشی مهم و بزرگ بی‌گمان مربوط به تمدن عربی، ایرانی و اسلامی در قرون وسطی است و همین امر، هزار و یک شب را به صورت گنجینه‌ای سرشار از عرف‌ها، آداب، رسوم، و بالاخره شیوه زندگی یا فرهنگ بخش‌هایی از مردم آسیا و آفریقای آن قرن‌ها درآورده است.

مردم‌شناس و هم‌چنین زبان‌شناس و روان‌شناس در رویکرد با آثار ادبی باید همواره نگاهی به پیشینه‌ها، ریشه‌ها و رگه‌های کهن‌تر این متون داشته باشد و بتواند مفهوم‌ها و مضمون‌های کهن‌تر را که در این گونه آثار لباس مبدل پوشیده و خود را استار کرده‌اند باز شناسد و از جمله روند تغییرها [چرخش‌های] متن، تصحیف [دگرخوانی]‌های واژه‌ها را که از متنی به متن دیگر طی

پژوهنده، این متون داستانی ادبی را با متون واقعی [Realistic] از قبیل متون تاریخی، زندگی‌نامه‌ای و غیره اشتباه بگیرد و از ظواهر حکایات، به استنتاج‌های منطقی قیاسی یا استقرایی غلطی دست آویزد. موضوعی که متأسفانه نقص آشکار آثار ارزشمند بسیاری از افسانه‌پژوهان دو قرن اخیر از برادران گریم تاکنون به شمار می‌رود. پژوهنده جامعه‌شناس و

اگر پژوهش در اسطوره‌ها و افسانه‌های کهن، ارزش هستی‌شناختی (Ontological)، معرفت‌شناختی (Epistemological) و بالاخره دینی، فلسفی و روان‌شناختی دارد، کاوش در متون داستانی - افسانه‌ای عصر مسیحیت تا اواخر قرون وسطی از دیدگاه مردم‌شناختی و جامعه‌شناختی ارزش و بازدهی فراوان اما مشکوک دارد. بازده مشکوک از آن رو که ممکن است



کرده است، در نظر داشته باشد. نخستین اشتباه معمولاً در چهارچوب داستان گریبانگیر پژوهنده می‌شود، خصوصاً که متأسفانه بسیاری به اصل عربی اثر دسترسی یا به دلیل آشنا نبودن با زبان عربی [دستیابی ندارند و ترجمه‌های فارسی، انگلیسی و فرانسوی و... آن را موضوع بررسی قرار می‌دهند.

سرزمین «الف لیله و لیله»، یک کشور با مرزهای مشخص نیست. جغرافیای این اثر خصلتی فرامکانی و تاریخ آن سرشتی فرازمانی دارد. چنان که منطبق آن نیز به منطق مرسوم و متعارف مقید نیست و در واقع منطق آن، منطق بازی و افسانه است، چیزی مانند منطق رؤیا با ساز و کاری ناخودآگاه که ریشه در اعماق وجود آدمی دارد. در سرزمین هزار و یک شب پایتخت‌ها نام‌هایی آشنا اما دگرگونه Deformé دارند که گاه همچون سمرقند، بغداد، بصره، دمشق، حلب، اصفهان، اسکندریه و... نام شهراند و گاه مانند چین، پارس، هند، یونان، روم و... نام کشور؛ و این شهرها و کشورها گاه بیش از حد تصور به هم نزدیک یا از هم دورند. سفر قهرمان و یا ضدقهرمان قصه‌ای از بغداد به حلب گاه ماه‌ها طول می‌کشد و سفری از بغداد به چین، مسافتی کوتاه و باورنکردنی است! مثلاً بسنجید: سفر نورالدین از مصر به بصره، سفر شمس‌الدین از مصر به دمشق و بصره و سپس بازگشت به مصر، (در داستان نورالدین و شمس‌الدین شهبای ۲۰-۲۵) و همچنین سفر دلاک و همراهان از بغداد به چین (داستان دلاک و گوژبشت و... شهبای ۲۶-۳۶) زمان و به تبع آن تاریخ نیز آشفته و درهم و برهم است. در داستان آغاز چهارچوب اصلی شهرزاد، در روزگار ساسانی (قرن ۳ تا ۷ میلادی) برای شهریار «پادشاهی ساسانی» قصه می‌گوید، اما از شب دهم به بعد قصه‌هایی از دوران عباسیان، خلفای فاطمی مصر، اواخر قرون وسطی، جنگ‌های صلیبی و بالاخره زمانی نزدیک به قرون جدید که قهوه (یک نوشابه الکلی جدید و نه قهوه معروف)، تنباکو و سلاح‌های آتشین، کشف شده‌اند، یعنی قصه‌های آینده (در ستجش با زمان قصه چهارچوب اصلی) گفته می‌شود.

ملیت‌ها نیز گوناگون‌اند: ایرانی (عجم) در کنار عرب، مصری، رومی (یونانی؟)، آفریقایی، چینی و... مذاهب، جامعه‌ها، شیوه‌های زندگانی، مراسم و عادات و آداب و در یک کلام، کهنکشنای از تمامی ملت‌ها و فرهنگ‌هایی که عرب‌ها و مسلمانان آسیا در قرون وسطا می‌شناخته‌اند در این زمان قرون وسطایی درهم جوش خورده‌اند.

محقق مردم‌شناس در این کشور باید تمام نشانه‌های آشنا و شیوه برخورد با افسانه‌های مألوف و معهود را به کناری نهد و با این ژانر (طرز ادبی) به شیوه‌ای کاملاً متفاوت برخورد کند.

او در افسانه‌ها سرزمین‌هایی دیده است که یا یکسره در تسخیر جانوران واقعی و افسانه‌ای بوده و یا اشیاء در آن‌ها ویژگی‌های انسانی گرفته‌اند [جان بخشی (Animation) و یا پریان و دیوان و موجودات فراطبیعی در آن‌ها نقشی داشته‌اند. اما ساختار همه این قصه‌ها، نظمی هندسی داشته‌اند. هرچند مضمونی

پادشاه که نام و نشانی از او در داستان نمی‌آید، دو پسر دارد: شهریار (بزرگتر)، شاه‌زمان (کوچکتر) و هردو شهسواری دلیبر، اما برادر بزرگتر دلاورتر (شهسواری) است (اما نامی از سرزمین قلمرو حکومتش به میان نمی‌آید)، برادر کوچک‌تر اما پادشاه سمرقند عجم (ایرانی) است.

در بند بالا [بند آغاز چهارچوب اثر] پژوهنده ممکن است توجه نداشته باشد که دعای آغاز کتاب کاملاً جدید و الحاقی است و به اقتضای دعاهای آغاز آثار داستانی هند برای گشایش قصه (مثلاً کاساتاریت ساگارا) و دعاهایی که نقالان و قصه‌گویان از گذشته‌های دور تاکنون برای گشایش جلسه قصه‌گویی و نقل، می‌خوانند، نوشته شده است. عین دعای آغاز در کاساتاریت ساگارا به صورت دعا به درگاه شیوای گلو بنفش یا کیود گلو و خدایان دیگر هند، آمده است. بنابراین با خواندن دعای آغاز در هزار و یک شب، نمی‌توان حکم بر محدودیت این اثر به باورهای اسلامی کرد.

در آغاز داستان نیز قافیه و بساطت الف و نون (ان) سبب می‌شود که شاه از ملوک ساسان باشد و دو فرزند

فرامتنطقی و فراجزندی و ساز و کاری بازی‌گونه و افسانه‌ای آنها را به پیش برده است. در قصه‌های حیوانات، مثلاً شما با زمان کاری ندارید، شما در ساحتی بی‌زمان زندگی می‌کنید، هرچند نام پادشاهی ذکر شود. اما در این سرزمین جدید که به سرزمین رومانس‌های اروپایی قرن ۱۱ به بعد بسیار شباهت دارد، نشانه‌ها چنان سردرگم و درهم ریخته‌اند و کوتاهی کلام چنان ملغمه‌ای از واقعیت و داستان، تاریخ و افسانه، تخیل و عینیت، جد و هزل و تفکر و بازی درهم آمیخته‌اند که راه را بر هرگونه تائیل و تفسیر آسان و قانونمند می‌بندند.

متن عربی با نیایش پروردگار عالمیان یا دو عالم و درود و سلام بر محمد(ص) و... آغاز می‌شود و فایده کتاب را در بعضی روایت‌ها مختصر و در بعضی مفصل‌تر بیان می‌کند و سپس وارد داستان اصلی می‌شود: حکمی (والله اعلم) کان فیما مضی... من قدیم الزمان و سالف العصر و الاوان ملک من ملوک ساسان بجزائر الهند والصحین... (آورده‌اند) (و خدا داناترست) در گذشته‌های دور و روزگاران کهن پادشاهی (از پادشاهان ساسانی (فرمانروای) جزایر هندوستان و چین بود...)

دختری زیبا در جامهٔ موصلی زربفت، از دکان مردی ترسا، زیتون و از میوه فروش سیب شامی، گلابی عثمانی، الوی عمانی، یاسمن حلبی و ... می‌خرد. تفکیک مغازه‌ها: فروشگاه مواد غذایی، میوه فروشی، قصابی، قنادی، عطاری، نحوهٔ عرضهٔ کالا و دریافت پول، توصیف معماری خانه‌ها، نحوهٔ پذیرایی از مهمانان، ترانه‌های شهوی که دختران می‌خوانند و آلات موسیقی که می‌نوازند و بالاخره پدیدار شدن خلیفه، جعفر برمکی و مسرور سیاف [دستهٔ سه نفره‌ای که در بسیاری از قصه‌های هزار و یک شب ناگهان ظاهر می‌شوند] همه از سال‌هایی نه در عهد هارون بلکه در واپسین سال‌های حکومت عباسیان، خبر می‌دهد. دقیقاً این بخش از هزار و یک شب که تا پایان کتاب [یعنی قصهٔ معروف پینه‌دوز] را به استثناء حدود بیست قصهٔ کوتاه پراکنده، پوشش می‌دهد داستان‌های بازار و خیابان در اواخر قرون وسطا را در بر می‌گیرد و نگاه مردم‌شناس کنجکاو را به خود جلب می‌کند. برخی از این داستان‌ها بی‌گمان نمی‌توانند پیش از قرن ۱۳ میلادی نوشته شده باشند. شباهت‌هایی که بعضی از این داستان‌ها مانند قصهٔ «کان ماکان» و «قضی فکان» و ... با ژمانس‌های متأخر قرون وسطایی مسیحی دارند، قصه‌های صلیبی، داستان‌های سلجوقی و از همه مهم‌تر تکنیک پیش رفتهٔ ارائهٔ قصه‌ها که گاه به روان‌شناسی شخصیت‌ها توجهی - هرچند نه دقیق - دارند، همه گواه آنند که با دوران شکوفایی و انحطاط پس از آن در تمدن عربی و اسلامی رو در روییم و نه دورانی از زشد و غلبهٔ فتودالیسم. کثرت واژه‌های فارسی، ترکی، یونانی و افریقایی معرب شده مانند مزنجر (زنجبیر شده)، شاه بندر، خازندار (!)، مزرکش (جامهٔ زردوزی شده) و ... از اختلاط زبان عربی سوجه [بازاریان] با واژه‌های دخیل [بیگانه]، خبر می‌دهند. تسامح و تساهلی که در قبول عقاید و ادیان دیگر از طرف مقامات حکومتی و مذهبی در بسیاری از این داستان‌ها می‌بینیم (مثلاً داستان خیاط و گوژپشت و سلمانی)، اباحه‌ای که مردمان هزار و یک شب [که بیشتر از همه مسلمان‌اند] در برخورد با میخوارگی، زن بازرگی و روسپیگری از خود نشان می‌دهند، پژوهندهٔ دانا را در زمینهٔ جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی تاریخی بسیار یاری می‌دهد.

اما متأسفانه این اثر که نوسانی پاندولی [آونگی] میان افسانه و زمان (به معنای قرون وسطایی آن دارد)، بسیار گمراه‌کننده است. پژوهشگر در میان هزارتوهای پیچ‌درپیچ قصه‌های شهرزاد گاه چنان گم می‌شود که فراموش می‌کند، قصه‌های شهرزاد نه یک جعبهٔ جادو از نوع قصه‌های هندی و چینی، بلکه بقچه‌ای چهل تکه است که زنی افسانه‌ای به نام شهرزاد آنها را به هم دوخته و در واقع شهریار و شاه زمان و شهرزاد و دنیا زاد تنها بیهانه‌ای برای سرهم چسباندن این وصله‌های ناهم‌رنگ به یکدیگر شده‌اند.

عدم توجه رچارد برتون، مترجم انگلیسی «الف لیله و لیله» به برخی نکته‌های داستانی مایهٔ افزودن شدن یادداشت‌ها و توضیحاتی در پایان هر فصل کتاب [خود برتون هزار و یک شب را فصل بندی کرده است] گشته است. یادداشت‌های برتون البته همه جا دقیق و علمی و



شهرزاد [شخصیت اصلی تر و در حقیقت قهرمان داستان] می‌افتد. او هر شب سر شهریار را با داستانی درمان‌کننده و بیدارکننده گرم می‌کند و سر آخر با گذشت هزار و یک شب، و به دنیا آوردن دو فرزند از شهریار، شاه را از چتون زن‌کشی نجات می‌دهد.

— بسیاری از هزار و یک شب پژوهان بر این نکته همدستانند که داستان نخستین الف لیله و لیله که چهارچوب این زمان [؟] را تشکیل می‌دهد و دو بیست و چند قصهٔ بسیار متفاوت و گوناگون را در یک شیرازه ساختار می‌دهد، بی‌گمان صورت تغییر یافتهٔ نخستین قصه‌های «هزار افسان» و ترجمهٔ عربی آن «الف خرافه» است که جز نام هیچ‌گونه نشانی از آنها در دست نیست. اما در آخرین قصهٔ همین بخش هندی - ایرانی نیز از عید قربان و سفر مکه و انجام مراسم حج سخن به میان می‌آید [افسانهٔ ماهیگیر و دیو، شب‌های نخستین]. از این جا به بعد ناگهان لحن قصه‌ها، حال و هوا و فضای اثر با چرخشی سراسری دگرگون می‌شود و خواننده وارد کوچه و خیابان‌های بصره و بغداد قرون وسطا می‌شود. آغازگر این بخش قصهٔ حمال و دختران و سه قلندر است. حمال قصه سید به دست دارد که ناگهان

[ولدان] داشته باشد و قس علی هذا. هند، چین و سمرقند دز چهارچوب اصلی و شهرهای دیگر و شخصیت‌های تاریخی دیگر نیز از نظر جغرافیایی و تاریخی سند پذیر [قابل استناد] نیستند و از این نقطه نظر ارزشی ندارند، بلکه تنها هویت ادبی افسانه‌ای دارند.

شهریار در ادامهٔ داستان دلتنگ برادر می‌شود و وزیرش را مأمور آوردن شاه زمان می‌کند. هنگام حرکت شاه‌زمان و وزیر برادر به کشور شاه‌زمان، ناگهان شاه زمان گوهر هدیهٔ برادر را فراموش می‌کند و برای آوردن آن به کاخ خود بر می‌گردد و شاهد صحنهٔ هماغوشی غلام سیاه و همسر می‌شود و هر دو را می‌کشد. سپس به قصر شهریار می‌رسد و شاهد خیانت همسر و زنان حرمسرای برادر می‌گردد و بالاخره در نهایت شهریار یعنی شخصیت اصلی این داستان بلند پس از کشتن همسر و کنیزان و غلامان خیانتکار، دچار جنون دوشیزه‌کشی یا زن‌کشی می‌شود و هر شب دوشیزه‌های را به زنی می‌گیرد و فردا او را می‌کشد.

با ورود مصرانه و داوطلبانهٔ شهرزاد، دختر وزیر و تن به مرگ دادن او، سرانجام سررشتهٔ داستان به دست

صحیح است، اما از نظر ارتباط با یافت و ساخت و کار هزار و یک شب، پرت و نامعقول به نظر می‌رسد. مثلاً در همان فصل نخست چهارچوب اثر، دلایل بسیار خنده‌آور و سخیفی برای گرایش زنان حرمسرای شاهان ایرانی به غلامان سیاه ذکر می‌شود و غیره و غیره.

دانشمند و محقق ارجمند، جلال ستاری نیز در بخش پایانی اثر بسیار ارزشمند خود، «افسون شهرزاد»، تعبیرهای روان‌شناختی یونگی کاملاً ناهمخوان و ناهمسازی را بر «هزار و یک شب» بار می‌کند.

به یاد داشته باشیم که این نقص، تنها به کار ریچارد برتون و ستاری منحصر نیست، آثار عمده محققان و افسانه پژوهان در باب این اثر، سرشار از چنین قیاس‌های مع‌الفارق است. و البته، همین همت و خلاقیت محققان است که با اشتباه‌های خود، راه را برای پژوهندگان آینده باز می‌کنند و این سیر همچنان ادامه می‌یابد و هر نسل از اشتباه نسل پیشین درس می‌گیرد که راه مه گرفته و تاریک تحقیق را تا رسیدن آدمی به حقیقت در دوردست زمان، [اگر چنین حقیقتی باشد!] ادامه دهد. گفتم که هزار و یک شب ارزش تحقیقی مردم‌شناختی دارد، و پژوهندگان در این راه تاریک پرخطر به بیراهه افتاده‌اند، در این صورت چگونه می‌توان درباره هزار و یک شب از نقطه‌نظر مردم‌شناسی تحقیق کرد؟ به نظر من از حجم اندک داستان‌های آغاز هزار و یک شب که بیشتر شایسته تحقیقات ادبی و قصه‌شناختی و فرهنگ‌شناختی است که بگذریم، بخش عمده هزار و یک شب که بدنه اصلی اثر را تشکیل می‌دهد، علاوه بر قابلیت بسیار برای پژوهش‌های ادبی، از نقطه نظر جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی بسیار ارزشمند است.

بیشتر داستان‌های این بخش از سرگذشت نورالدین و شمس‌الدین به بعد و حتی اندکی پیش از آن، سرگذشت جمال و دختران و سه قلندر [گدا]، یعنی شب دهم به بعد، آرام آرام از میان مه افسانه وارد فضایی می‌شویم که اندکی روشن‌تر است. این بخش از اثر در حقیقت رنگ و رو و حال و هوایی قرون وسطایی دارد. در داستان گدای اول [قلندر اول] در همین بخش، از بندقیه [تفننگ] سخن به میان می‌آید:

وَ اِذَا بِالْبَنْدِقِيَّةِ قَدْ خَطَّاتٌ وَاصَابَتْ عَيْنَ الْوَزِيرِ...
[ناگهان تیر [تفننگ] به خطا رفت و به چشم وزیر خورد.]
و می‌دانیم که باروت و جنگ‌افزارهای آتشین در قرون جدید کشف و اختراع شد. هم چنین است تنباکو، قهوه [مشروبی الکلی و مست‌کننده] و...

اعتبار جغرافیایی و تاریخی یعنی مکان‌نگاری و زمان‌نگاری در سراسر داستان‌های هزار و یک شب، مشکوک و غلط‌انداز است. کشورهای دوری چون مصر، چین، زنگبار، چندان فاصله‌ای با بغداد ندارند. خلیفه هارون‌الرشید، جعفر برمکی و مسرور سیاف به عروسک‌های خیمه‌شب‌بازی مضحکی می‌مانند که کارگردان و عروسک‌سازی شوخ آنها را چهره‌پردازی کرده و نخ آنها را در دست دارد. حتی در یکی دو مورد که از تاریخ دقیق هجری سخن رفته، حال و هوا و فضا با تاریخ ذکر شده، کمترین همخوانی ندارد.

بیرون کشیدن واقعیت‌های تاریخی، جغرافیایی و

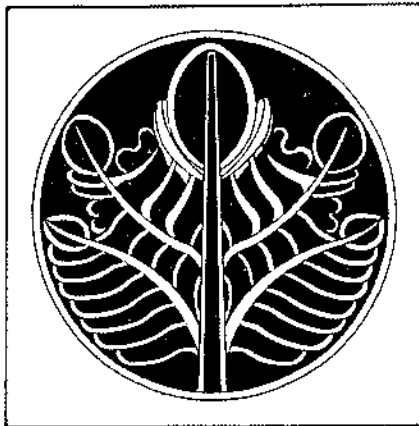
مواد و اطلاعات مربوط به فرهنگ عامه و آداب و رسوم از میان انبوه مطالب و مضامین ادبی، افسانه‌ای و داستانی که قافیه و تداعی‌های آزاد ذهنی آنها را به هم یافته و حتی سنجاق کرده است، درست به کار روانکاوی شبیه است که باید از میان لقلقه‌های زبانی و بلبله یک روان‌نژند مطالب درست و مورد نیاز خود را بیرون بکشد. و این فقط منحصر به تحقیق در هزار و یک شب نیست. تحقیق در بیشتر مجموعه‌های پدیدآمده از ادبیات شفاهی از جمله ژمانس‌های قرون وسطایی، افسانه‌های نه‌چندان کهن نیز چنین است. در این متون پژوهنده باید حتماً به جراحی در حد تخصص و مهارت اشراف داشته باشد و نه فقط به بافت برداری اکتفا کند. نخستین کار پژوهش متوجه نام‌هاست: از نام‌های معمول مانند شاه‌زمان، شهریار [شهریاز که در برخی نسخه‌ها آمده است و طسوجی نیز عیناً چنین ترجمه کرده است، بی‌هیچ گمان تصحیف است]، شهرزاد [شهرآزاد، چه‌رآزاد، شیرزاد و...]، دنیا‌زاد، [دین‌آزاد، دینارزاد، دینازاد]، یونان [ملک یونان]، رویان [در نسخه‌های عربی و ترجمه‌های انگلیسی ذوبان]، ملک سندیاب [و سندیادهای دیگر در بسیاری از داستان‌های هزار و یک شب]، تا نام‌های یونانی و رومی، مصری، عبری، هندوستانی، هندی کهن [سنسکریت] و حتی نام‌های فرنگی [اروپایی جدید]. در این زمینه پژوهنده حتی لحظه‌ای نباید فراموش کند که او با متن تاریخی و مستند سروکار ندارد.

آداب و رسوم مردم، شیوه‌های زندگی (Styles Of Life) آشنایی دو غیرهمجنس، خواستگاری، نامزدی، عروسی، چند همسری، بی‌وفایی و نحوه انجام آن، طلاق، کژروی‌های خانوادگی، انحراف‌های اخلاقی [مانند عشق جنسی به حیوانات در داستان‌های عشق به خرس و عشق به بوزینه و...]، جرائم و مجازات‌ها و نحوه اعمال آنها، معاملات و مکاسب، قواعد و قوانین حقوقی و...

پوشاک و خوراک و نحوه پذیرایی و خلاصه فهرستی بلند بالا از تمام مواد و مطالب که اگر تنها به ذکر نام آنها بسنده کنم، صفحات زیادی از این یادداشت را فراخواهد گرفت.

لازم است اضافه کنم که در این زمینه تحقیقات بسیار پر دامنه و مفصلی در اروپا و آمریکا صورت گرفته است که به دلیل ناهمبانی و بیگانگی محققان، خالی از اشتباه‌ها، دگرخوانی‌ها و قیاس‌های نادرست نیست. این آثار عیناً مانند پژوهش‌های اروپاییان و آمریکاییان در تحقیقات دینی، ادبی و هنری شرقیان، بسیار ارزشمند و راهگشاست، اما واقعیت امر آن است که همه این تحقیقات اعتباری مشروط دارند و تنها در سنجش با متون اصلی می‌توانند ارزش علمی پیدا کنند. برای نمونه پنزر (Penzer) در تعلیقات مفصلی که بر ترجمه تاوونی از مجلدات «کاساتاریت ساگارا»، نوشته است که در عالم تحقیقات خاورشناسانه درخشان و بی‌همتاست، سهوهای بسیار بر قلم او رفته است بنابراین چاره‌ای جز این نیست که در کشور ما نیز جوانان که حقیقتاً دارند میدان را از میانسالان و استادان فن در هر زمینه می‌گیرند، دست از آستین برآورند و در

این زمینه به تحقیق بپردازند و پشتیبانان تحقیق یعنی مراکز پژوهشی و تحقیقی کشور نیز به جای باریک‌بینی در معیارهایی که ارتباط محضی با پژوهش ندارد، به دانش، تخصص و هوشمندی جوانان اولویت بدهند و این سرمایه بسیار درخشان را از هدر رفتن و نصیب بیرون مرزها شدن، به راه درست کار کردن در وطن و برای وطن رهنمون شوند.



● برخی منابع مورد استفاده

الف. فارسی:

- ۱- هزار و یک شب، ترجمه عبداللطیف طسوجی، تهران، نشر دانش نو، ۱۳۵۷، [در ۶ جلد].
- ۲- «مقدمه بر هزار و یک شب»، علی اصغر حکمت، تهران، ۲- افسون شهرزاد (پژوهشی در هزار افسان)، جلال ستاری، تهران، انتشارات توس، ۱۳۶۸.
- ب. عربی:
- ۱- الف لیلہ و لیلہ، بغداد، منشورات مکتبۃ التحریر، ۱۹۸۷، [۴ مجلد در دو جلد]
- ۲- الف لیلہ و لیلہ، تحقیق لیتمان، ترجمه ابراهیم خورشید و... دایرة‌المعارف الاسلامیة لجنة للترجمة والنشر، لبنان، ۱۹۸۷.

ج. انگلیسی

- 1- Burton, Richard F. A Plain and Literal Translation of the Thousand and one nights Entertainment, Benares.
- 2- The Thousand and One Nights, Muhsin Mahdi, Leiden, 1995.
- 3- The ocean of stories, somadeva's Katha Sarit Sagara, Trans. C. H. Tawney, Ed. N. M. Penzor, Delhi, Motilal Banarisdass, 1968.

کتاب ماه مهر / آذر / دی / بهمن / اسفند / فروردین / تهر / خرداد / اردیبهشت / ۱۳۷۷